

امام خمینی (س) و مفاهیم اخلاقی

(۲۸)

کبر و تکبر

احسان احمدی خاوه

سمیه شاه حسینی

سرشناسه	: احمدی خاوه، احسان، ۱۳۵۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: کبر و تکبر / احسان احمدی خاوه، سمیه شاه حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۰ ص.
شابک	: ISBN: 978 - 964 - 212 - 472 - 5
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۱۲۵] - ۱۳۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
غروست	: امام خمینی(س) و مفاهیم اخلاقی؛ ۲۸.
سوع	: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. - دیدگاه درباره غرور و تکبر / غرور و تکبر - جنبه های مذهبی - اسلام / غرور و تکبر - احادیث.
شناسه افزودن	: شاه حسینی، سمیه، ۱۳۶۲ -
شناسه برگرفته	: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
رده بندی کنگره	: ۸ الف ۲۵ الف / ۵ / ۱۵۷۴ DSR
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۵۲۲۹

کد / م ۲۹۸۸



مؤسسه چاپ و نشر عروج

کبر و تکبر

نویسندگان: احسان احمدی خاوه، سمیه شاه حسینی

ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س))

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۵۰۰ تومان

* فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فروردی، پاساژ ظروفی، تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۱ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

* فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

* مراکز پخش: امور نمایندگیها و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

* امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

* فروشگاه مجازی مؤسسه عروج www.oroujpub.com

pub@imam-khomeini.ir

http://imam-khomeini.ir

نشانی الکترونیکی:

فهرست مطالب

۹	مقدمه ناشر
۱۱	مقدمه مؤلف
۱۷	کلیات و تعاریف
۲۷	چه کسانی بیش‌تر در معرض ابتلا به کبر قرار دارند؟
۲۹	علل وجود تکبر در انسان
۳۰	علل روان‌شناختی
۳۱	علل معرفت‌شناختی
۳۵	مراتب و اقسام کبر
۳۵	مراتب کبر
۳۷	کبر علمی
۴۰	کبر عبادی
۴۶	کبر عرفانی
۴۹	آفت «وصل به حقیقت» در کمین رهروان راه سلوک
۵۵	کبر در مقام و ثروت و تمتعات دنیوی

- تأثیر کبر در ارتباط انسان با خدا..... ۵۹
- کبر، اولین گام برگشت از حق..... ۵۹
- تأثیر کبر بر عبادات..... ۶۴
- ناژ کبر در ارتباط انسان با هموعان..... ۶۵
- راه‌های درمان و علاج تکبر..... ۷۱
۱. راه حل دینی و قرآنی..... ۷۱
- نماز، وسایل تنزیه از کبر..... ۷۲
- کار کردن و حب رزی..... ۷۳
- ساده‌زیستی، همشهری با فقر و توجه به تربیت نفس..... ۷۳
- تأمل و تدبیر در وجود خود..... ۷۵
- پرهیز از مواضع ابتلا به کبر..... ۷۵
۲. راه حل اخلاقی..... ۷۶
- پرهیز از حسن‌ظن به نفس..... ۷۶
- عمل کردن بر خلاف میل نفس..... ۷۷
- حضور در جماعات و اجتماعات..... ۷۸
۳. راه حل عرفانی..... ۸۱
- ریاضت و تصفیه باطن..... ۸۱
- ملامتی‌گری و ملامت نفس..... ۸۴
- رشد معرفت‌شناسی..... ۸۸
- نقش علم در توسعه وجودی انسان..... ۹۰
- عشق..... ۹۵

- ۱۰۱ فناء فی الله
- ۱۰۹ تکبرگریزی در سیره عملی امام خمینی علیه السلام
- ۱۱۰ انجام کارهای شخصی
- ۱۱۰ حق ندارم به خانم دستور بدهم
- ۱۱۱ نماز جماعت را سریع می خواندند
- ۱۱۱ اگر مردم از تقلید من برگردند، بار مسئولیت من سبک می شود
- ۱۱۲ به من رهبر نگه بند
- ۱۱۳ خوشم نمی آید
- ۱۱۳ مهربان ترین رهبر
- ۱۱۳ خدمت به همسفران
- ۱۱۴ تحقیر متکبرین
- ۱۱۴ هرکس موظف است محل کار خود را خوب تمیز کند
- ۱۱۴ تا وقتی که موشک بخورد این جا
- ۱۱۵ همه اش تعریف از من است
- ۱۱۵ جوراب های وصله دار
- ۱۱۵ زهد و ساده زیستی
- ۱۱۶ در فکر طلاب
- ۱۱۶ تحقیر مستکبران
- ۱۱۶ تواضع با فرو دستان
- ۱۱۷ پرهیز از تمتعات دنیوی
- ۱۱۸ من راضی نیستم صلوات بفرستید

- ۱۱۹ اجازه نمی‌دادند کسی پشت سرشان حرکت کند
- ۱۲۰ به مردم فشار نیاورید
- ۱۲۱ خود من هم کمک‌تان می‌کنم
- ۱۲۱ نتیجه
- ۱۲۵ کتاب‌نامه

مقدمه ناشر

حجاب‌های چندی، نسل جوان را از شناخت اندیشه‌های جامع و منظومه فکری و گستره شخصیت امام خمینی (س) باز می‌دارد. یکی از این پرده‌ها، حجاب معاصرت یا هم روزگاری است. این نکته موجب شده است تا دقیقاً گستره و نفوذ اندیشه و آرای امام آن‌گونه که باید، شناخته نشود. غلبه بر این مانع غالباً تنها از طریق گذر ایام حاصل می‌گردد.

دومین حجاب، نقش مترجم سیاسی امام است. چهره مسلط امام در عرصه سیاست چند دهه اخیر کشورمان، هرچند برکت‌زا و ارجمند بوده، اما مانع از آشکار شدن گرایش‌ها و افکار ایشان گشته است. در نتیجه بُعد سیاسی ایشان بر دیگر ابعاد و نهادهای اخلاقی و عرفانی ایشان غلبه داشته و کسانی که ایشان را می‌شناسند، کمتر از رهگذر سیاست است.

سومین حجاب، پیشینه علمی ایشان، واژگان خاصی است که برای بیان اندیشه‌های خود برمی‌گزینند. ایشان به دلیل بهره‌مندی گسترده از دانش‌های مختلف اسلامی چون فقه، اصول، تفسیر، کلام، عرفان و فلسفه، دارای واژگانی گسترده بودند. نگاهی به آثاری چون شرح چهل حدیث یا شرح حدیث جنود عقل و جهل این نکته را آشکارتر می‌سازد. این گستره واژگانی گرچه بیانگر عمق اندیشه‌های امام است، اما فهم آرای ایشان را برای کسانی که از چنین زمینه‌ای برخوردار نیستند، دشوار می‌نماید.

مجموعه "امام خمینی (س) و مفاهیم اخلاقی" کوششی است برای

فرارفتن از پاره‌ای از این حجاب‌ها و آشنا ساختن نسل جوان با یکی از ابعاد اساسی امام؛ یعنی بعد اخلاقی. نویسندگان این مجموعه کوشیده‌اند تا مفاهیم کلیدی اندیشه اخلاقی امام را به گونه‌ای منظومه‌وار توضیح دهند و زمینه را برای درک کامل‌تری از آرای اخلاقی امام فراهم آورند. مزروض نویسندگان این مجموعه آن بوده است که نقطه عزیمت امام، اخلاق رده و -ی نگاه ایشان به سیاست از این منظر بوده است، لذا پدید آوردن چنین مجموعه‌ای برای فهم اندیشه مرکزی ایشان لازم است. در ارائه این مجموعه جنبه‌های زیر مورد توجه خاص نویسندگان بوده است:

۱. رعایت اثر معیار و ترجمه به اصول درست نویسی؛
۲. رعایت جنبه برانگیزندگی در نوشته، چرا که هدف اخلاق، برانگیختن انسان و تشویق او به تغییر خودش است، و در عین حال پایبندی به جنبه استدلالی بحث؛
۳. بهره‌مندی از میراث ادبی و اخلاقی گذشته و پیوند آرای امام بدان؛
۴. کوشش جهت ارائه نگاهی تازه و کارگشا به بحث اخلاقی؛
۵. فراهم آوردن زمینه برای پیش بردن چنین مباحثی با تأکید بر نیازهای جامعه.

با توجه به این نکات، سلسله مباحث "امام خمینی (س) و مفاهیم اخلاقی" فراهم آمد، لیکن به دلیل تازگی ممکن است پرسش‌هایی را برانگیزاند که از آن استقبال می‌کنیم و همچون امام بر این باوریم که انتقاد و حتی تخطئه در نهایت، به سود انسان است.

مقدمه ولف

ای دل من یارم دم خالی ز عشق و مستی
بانگه برو که رستی از نیستی و هستی
گر جان به تن بپینی و مغول کار او شو
هر چه بخواهی که بینی بهتر ز خودپرستی^۱

تکبر، یکی از مهلک‌ترین آفات اخلاقی است که هم در قرآن کریم، هم در روایات معصومین علیهم‌السلام توجه ویژه‌ای به آن شده است. در سیره علمی و عملی بزرگان اهل معرفت و اخلاق نیز بر آن تأکید شده و یا پرهیز از این آفت اخلاقی، دستورالعمل‌های بسیاری ارائه شده است. علاوه بر این که در روایات اسلامی، تکبر، هم سنگ کفر قلمداد شده است. در سایر ادیان الهی نیز در ردیف گناهان کبیره قرار گرفته است. در اسلامیت، غرور و تکبر اولین گناه کبیره است و تعابیری بسیار نزدیک به تعابیر معصومین علیهم‌السلام راجع به تکبر در انجیل وجود دارد.^۲

۱. حافظ، غزل ۴۳۴.

۲. برای مثال در انجیل این پیامدها برای تکبر و غرور ذکر شده است: سرپیچی از فرمان خدا:

در آثار امام خمینی به این موضوع در دو کتاب شرح چهل حدیث و شرح حدیث جنود عقل و جهل، به طور ویژه پرداخته شده، اما مبانی نظری و معرفت‌شناختی آن در سایر آثار عرفانی امام نیز قابل بررسی و مطالعه است. انسان، موجودی است چند لایه که هر تغییر و تحولی، در همه ابعاد وجودی او مؤثر خواهد بود. امام در شرح اصول اثبات عباد جبرمائی، انسان را جامع اکوان سه‌گانه: طبیعی، مثالی و عقلی بررسی کرده و فقط او را بهره‌مند از نهایت فیض نشئات وجود می‌داند که:

هیچ موجود دیگری را نیز از اشرف مخلوقات، چنین نصیبی از عالم وجود نبخشیده‌اند.^۱

برخی دیگر از صاحب‌نظران این سطوح را به چهار لایه: مادی،

پس به شما گفتیم، لیکن نشنیدید، بلکه از فرمان خدا عصیان ورزیدید، و مغرور شده، به فراز کوه برآمدید. ثنیه ۴۳:۱؛ فراموش کردن خدا: و دل تمام‌شده، بیهوش شده، بیهوش خدای خود را که تو را از زمین مصر از خانه بندگی بیرون آورد، فراموش کن. ثنیه ۴۸:۱؛ نفی خدا: شریب در غرور خود می‌گوید: بازخواست نخواهد کرد. همه فکرهای او این است که خدایی نیست. مزمور ۴۱:۱۰؛ استهزای دیگران: مرد متکبر و مغرور سعی به استهزا می‌کند. به فزونی تکبر عمل می‌کند. امثال ۲۴:۲۱؛ غرور باعث سقوط است: لیکن چون دلش مغرور و روحش سخت گردیده، تکبر نمود آن‌گاه از کرسی سلطنت خویش به زیر افکنده شد و حشمت او را از او گرفتند. دانیال ۲۰:۵؛ بی‌نیازی، علت غرور است: چون چریدند، سیر شدند و چون سیر شدند، دل ایشان مغرور گردید و از این جهت مرا فراموش کردند. هوشع ۱۳:۶؛ ۷. غرور، خود گناهان دیگر را ایجاد می‌کند: از غرور، مست شده، هیچ نمی‌داند بلکه در مباحثات و مجادلات دیوانه گشته است که از آن‌ها پدید می‌آید حسد و نزاع و کفر و ظنون شر. اول تیمونائوس ۴:۶.

مثالی، عقلی و الهی تقسیم کرده‌اند.^۱ بر همین اساس، بروز یک آفت اخلاقی در رفتار و ساحت مادی انسان، اولاً: حاکی از وجود یک رشته از آسیب‌های روان‌شناختی در لایه زیرین شخصیت؛ و ثانیاً: حضور انحرافی معرفت‌شناختی در ساحت عقلی و شناختی و بالاخره حاکی از محجوبیت انسان از مبدأ الهی وجود است. در بیانات معصومین علیهم‌السلام نیز همین لایه‌لایه بودن عمق آسیب‌های اخلاقی، کاملاً قابل مشاهده است؛ در جای، کبر به عنوان مشکل شخصیتی و در جایی دیگر به عنوان خوی و خصلتی جامعی، و در بیانی دیگر اولین قدم به سوی کفر و شخص متکبر، هم‌ردیف سبط علیه‌السلام قلمداد شده است. بدیهی است که همه این تعابیر در بیانات معصومین علیهم‌السلام به جای خود درست و دقیق‌اند، و مؤید این مطلب‌اند که تغییرات، چه مثبت چه منفی، همه ابعاد وجود انسان را درگیر می‌کند و مختص یک ساحت نیست.

این نگاه، خصوصاً در امر روان‌درمانی نیز باید مورد توجه وافی قرار بگیرد که ایجاد تغییر، صرفاً در لایه رفتاری یا عاطفی، اگر چه ممکن است در کوتاه‌مدت اثرگذار باشد، اما قطعاً چون به لایه‌های عمیق‌تر وجود، رسوخ نیافته، امکان بازگشت آسیب، منتفی نخواهد بود. در منظر امام، راه علاج این قبیل آسیب‌های اخلاقی، از درون بدنیرون است. یعنی تا وقتی که لایه‌های عمیق‌تر انسان از لوث وجود انحرافات شناختی و عقیدتی، پاک نشده، ایجاد تغییر در رفتار و ظاهر، کاری از پیش نخواهد برد. اگر چه ممکن است به طور مثال، رفتار فرد متکبر تا حدی

۱. تفسیر انسان به انسان، ص ۱۶۵.

اصلاح شود و ظاهراً تواضع را در پیش گیرد، اما چون لایه‌های باطنی‌تر وجود انسان، هنوز در اسارت تکبری پنهان‌اند، علاوه بر باقی ماندن ریشه‌های تکبر در باطن، فرد به ریاکاری و نفاق نیز مبتلا خواهد شد. وجه به ساحت‌های مختلف وجودی در انسان، این هشدار را نیز می‌دهد که هیچ‌کس در هیچ سطحی از علم و تقوا و عبادت و عرفان و مقامات دینی و معنوی، جز برگزیدگان و معصومین علیهم‌السلام، مصون از لغزش و غیبت نیست، و ای بسا که تکبر در مخفی‌ترین لایه‌های اعتقادی انسان، لایه پنهان، پست‌تر، اسوده انسان، خود نداند.

توضیح دو نکته راجع به این کتاب در این جا ضروری است؛ اول این‌که از آن جا که نگاه امام علیه‌السلام مسائل مختلف، ریشه در مبانی و مبادی عرفانی و توحیدی دارد، از این رو در بحث‌های اخلاقی نیز ایشان اهتمام خاصی به ابعاد عرفانی اخلاقیات دارند. ما نیز در این مختصر به قدر بضاعت خود کوشیده‌ایم تا از این نظریات عرفانی بهره ببریم.

و دوم؛ توجه به جایگاه اخلاق و اخلاقیات در منظومه فکری امام است. امام به عنوان یکی از نمایندگان اصلی کتب سدر در دوره معاصر، طلایه‌دار مکتبی است که باید آن را به حق، «مکتب تنفیق» خواند. از این رو غریب نیست که در آثار و آراء او نیز، مرزهای میان عرفان و شریعت و اخلاق، در نهایت باریکی و در هم تنیدگی است. در منظومه فکری امام، سه حوزه اخلاق و عرفان و شریعت (فقه)، وجودی در هم تنیده دارند و رابطه عرفان و شریعت و اخلاق، رابطه‌ای مبتنی بر

وحدت است. در نگاه امام، انجام عبادات، اجراء توحید در ملک بدن از باطن قلب است. نتیجه عبادات نیز تحصیل معارف و تمکن توحید و دیگر معارف در قلب است. به عبارت دیگر، رعایت ظاهر شریعت، مفتاح گشایش قفل‌های باطن آن است و هر چه ابواب باطنی شریعت، به روی سالک بیش‌تر گشوده شود، رعایت ظاهر شریعت که علم فقه متکفل آن است نیز در وجود او قوام و تمکن بیش‌تری خواهد یافت. در این منظر، عرفان و اخلاق و احکام، در مساوقت کامل با یکدیگر قرار دارند. در این منظر، شریعت ظهور حقیقت است، و عرفان باطن شریعت، و اخلاق حلقه وسط میان آن دو؛

سر توحید و توحید در جمیع عبادات قلبیه و قالبیه ساری و جاری است. بلکه شیخ عارف کامل، راه‌آبادی - روحی فدا - می‌فرمودند: عبادات اجراء توحید است در ملک بدن از باطن قلب. الجمله، نتیجه مطلوبه از عبادات تحصیل معارف و تمکن توحید و دیگر معارف است در قلب. و این مقصد حاصل نشود مگر آن که حظوظ قلبیه عبادات را سالک استیفاء کند، و از صورت و قالب به حقیقت و لب عبور نماید، و واقف به در دنیا و قشر که وقوف در این امور خار راه سلوک انسانیت است.^۱

البته در این‌که این سه ساحت، با هم تفاوتی ندارند و کارکردهای گوناگونی برای ساحت‌های مختلف وجود آسمانی دارند تردیدی وجود ندارد. به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، موضوع اخلاق اعم از ملکات اخلاقی است و همه کارهای ارزشی انسان را که متصف به

خوب و بد می‌شوند و می‌توانند برای انسان کمالی را فراهم آورند، یا موجب پیدایش رذیلت و نقصی در نفس می‌شوند، در بر می‌گیرد.^۱ اخلاق نیز مانند عرفان به دو بخش اخلاق عملی و نظری تقسیم می‌شود. اخلاق عملی مانند عرفان عملی و اخلاق نظری مانند عرفان نظری است. اما بین عرفان و اخلاق باید تفاوت قائل شویم؛ اخلاق عملی سلوک و رفتار و کرداری است که انسان متخلق با آن امور صاحب ملکات، صفات و مزه از رذایل اخلاقی خواهد شد، اما هرگز شهود حقایق و ارتباط شهودی با این شیوه ممکن نیست... اخلاق، سقف فقه و عرفان نیز سقف اخلاق است.^۲ در این نگاه، اخلاق، عین رعایت شریعت است و رعایت شریعت، شرط اب حریقت و حصول معرفت.

تفصیل بیشتر در این باره به مجال دیگر وا می‌گذاریم و در پایان، از همه مسئولان و دست‌اندرکاران معارف و روشنی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) دفتر قم، کمال انسان را سیاست‌گذاری را داریم و امیدواریم همه ساحات وجودی ما از لوث کبر و تکبر پاک گردد. ان شاء الله.

احسان احمدی‌خواه - سرکار شاه‌حسینی

قم، پائیز ۹۵

۱. اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۹۸.

۲. مهرنامه، ۱۳۹۰.